

رابطه سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود با

ریخت شخصیتی D در دانشجویان

الهه امیدیان^۱، محمود نجفی^۲، هاجر فلاح زاده^۳

دریافت مقاله: ۹۲/۵/۲۵ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۶

چکیده

هدف مطالعه حاضر تعیین رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با حرمت خود و ریخت شخصیتی D بود. بدین منظور تعداد ۲۴۵ دانشجوی (۶۶ پسر و ۱۷۹ دختر) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های سبک دل‌بستگی بزرگ‌سالان هازان و شاور، حرمت خود روزنبرگ و ریخت شخصیتی D پاسخ دادند. نتایج نشان داد که بین سبک دل‌بستگی ایمن با حرمت خود رابطه مثبت و معناداری و بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن با حرمت خود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک دل‌بستگی ایمن و ریخت شخصیتی D رابطه منفی و معنادار و بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و ریخت شخصیتی D رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی حرمت خود دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که سبک دل‌بستگی اجتنابی، ایمن و دوسوگرا به ترتیب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی ریخت شخصیتی D دارند. هم‌چنین بین سبک‌های دل‌بستگی در دو جنس هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها بیانگر نقش و اهمیت سبک‌های دل‌بستگی در تعیین حرمت خود و ریخت شخصیتی D است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دل‌بستگی، حرمت خود، ریخت شخصیتی D، دانشجویان.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه سمنان.

۲- نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه سمنان، پست الکترونیک: m_najafi@semnan.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

نظریه دل‌بستگی بالبی یکی از بانفوذترین دیدگاه‌ها در روانشناسی بالینی معاصر است (ویلکینسون، ۱، ۲۰۰۴). نظریه دل‌بستگی در تمرکز بر دفاع و آسیب‌شناسی شبیه نظریه فروید و دیگر نظریات روان تحلیل‌گری است اما دارای ایده‌هایی نیز در مورد مسیر عملکرد مثبت است که با نظریه‌های شخصیت انسان‌گرایی، خودشکوفایی (مازلو) و جنبش روانشناسی مثبت (سلیگمن) نقاط مشترک زیادی دارد (فیلیپ و گرالدها، ۲، ۲۰۰۹). نظریه دل‌بستگی بالبی به تشکیل پیوندهای عاطفی بین افراد مربوط می‌شود که اثرات تاریخچه دل‌بستگی یک فرد را بر روی تنظیم هیجان و دیگر جنبه‌های شخصیت معلوم می‌سازد (بالبی، ۳، ۱۹۸۲؛ به نقل از گیلث، بانجه، شاور، وندلکن و میکلینسر، ۴، ۲۰۰۵). بر طبق نظریه بالبی رفتار مجاورت توسط یک سیستم رفتاری دل‌بستگی به صورت ذاتی برای به دست آوردن حمایت و مراقبت از سوی شخص دیگری صورت می‌گیرد و در نهایت باعث سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا می‌شود (گیلث و همکاران، ۲۰۰۵). تجربه‌های فرد با چهره‌های دل‌بستگی در دوره‌های کودکی و نوجوانی مسیر رفتار و الگوهای دل‌بستگی فرد را تعیین می‌کنند و بدین ترتیب روابط عاطفی یک فرد در سراسر زندگی به چگونگی توحید یافتگی رفتار دل‌بستگی در چهارچوب شخصیت فرد وابسته است (بالبی، ۱۹۷۸؛ به نقل از دادستان، ۱۳۷۶). بالبی استدلال می‌کند که برقراری روابط در بزرگسالی تحت تأثیر الگوهای روابط اولیه با مراقبان در دوران کودکی است (ویلکینسون، ۲۰۰۴). هازان و شاور (۱۹۹۴، به نقل از سپاه منصور، شهابی‌زاده و خوش‌نویس، ۱۳۸۷) با بررسی نظریه دل‌بستگی در بزرگسالی نشان دادند که سبک‌های دل‌بستگی در طول عمر تداوم می‌یابند و موضوع دل‌بستگی افزون بر مادر، همسر و دوستان را در برمی‌گیرد. محققان به تازگی رابطه بین مدل‌های دل‌بستگی و سازش یافتگی عاطفی و

۱- Wilkinson

۲- Philip & Gerald

۳- Bowlby

۴- Gillath, Bunge, Shaver, Wendelken, & Mikulincer

اجتماعی در بزرگ‌سالان را مورد بررسی قرار دادند (بارتولومئو و هورویترز^۱، ۱۹۹۱). در پژوهشی نیز پیتر و موناکو و فلدمان برت^۲ (۲۰۰۶) نقش دل‌بستگی را در رابطه با همسر نشان دادند؛ افراد پرمشغله وقتی که همسرانشان به آن‌ها کمک می‌کردند بیشتر به آن‌ها احترام می‌گذاشتند و این کار را تا حد زیادی بیشتر از افرادی که سبک دل‌بستگی ایمن و اجتنابی داشتند انجام می‌دادند اما افراد نگران و اجتنابی بیشتر دوست داشتند رضایت همسران خود را کسب کنند و افراد مضطرب در کل الگوهایی شبیه به افراد پرمشغله از خود نشان دادند. این نتایج حاکی از آن است که دیدگاه افراد در مورد همسرشان به‌خصوص دید مثبت می‌تواند بر اساس اهداف مرتبط با تجارب دل‌بستگی متفاوت باشد. در مدل دل‌بستگی بارتولومئو و هورویترز (۱۹۹۱) بین سبک‌های دل‌بستگی با انگاره‌های از خود و دیگران ارتباط برقرار شده است. افراد با سبک دل‌بستگی ایمن و بی‌اعتنا تصویر مثبتی از خود دارند در حالی که افراد با سبک دل‌بستگی هراسان و پرمشغله تصویر منفی از خود دارند (هیوس‌ایتنولد، وینگرهوتس و دنولت^۳، ۲۰۱۱). ماهیت دل‌بستگی نیز به‌خوبی با شایستگی در بعد اجتماعی، حرمت خود و توانایی مقابله‌ای مرتبط است (پاترسون، پریور و فیلد^۴، ۱۹۹۵). همچنین رابطه‌ی اثبات‌شده خوبی بین سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود وجود دارد (هیوس‌ایتنولد و همکاران، ۲۰۱۱). به همین دلیل سازه مرتبط با سبک‌های دل‌بستگی حرمت خود است. به گفته هیگینز رفتار ما توسط سه نوع مختلف خود هدایت می‌شود: خود واقعی (آنچه ما هستیم)، خود آرمانی (آنچه می‌خواهیم باشیم) و خود بایسته (آنچه هنجارهای اجتماعی و عرف از ما می‌خواهند باشیم)، در نتیجه خود پنداشت از خود واقعی به وجود می‌آید (۱۹۹۱؛ به نقل از آرسیزوسکی، برجوت، فینز^۵، ۲۰۱۲)؛ اما حرمت خود با خود پنداشت تفاوت دارد حرمت خود از تفاوت بین خود پنداشت و خود آرمانی نشأت می‌گیرد (دوکان‌های فرد، ۱۳۸۶). در نظریه‌ی روانشناسی خود

۱- Bartholomew & Horowitz

۲- Pietromonaco & Feldman Barrett

۳- Huis in't veld, Vingerhoets, & Denollet

۴- Paterson, Pryor & Field

۵- Arciszewski, Berjot & Fines

که توسط کوهوت گسترش یافته است خود به‌منزله‌ی نیروی مستقل، وحدت یافته و خود انگیز توصیف شده است و از سوی دیگر انگیزه‌ی اصلی آدمی حفظ و افزایش تمامیت آن است در این زمینه کوهوت معتقد است که خود در خلال تجربه‌هایی که نیازهای بنیادی کودک را از راه روابط با موضوع خود فراهم می‌آورند شکل می‌گیرد در این صورت نظریه خود با نظریه‌ی روابط موضوعی پیوند می‌یابد و چگونگی تحول شخصیت وابسته به حمایتی است که کودک از والدین دریافت می‌کند (دادستان، ۱۳۷۶). این موضوع مطابق با نظریه دل‌بستگی است که افراد با تجربه حمایتی و دل‌بستگی ایمن بیشتر احساس حرمت خود می‌کنند و در نتیجه باعث خودکار آمدی در آن‌ها می‌شود در حالی که افرادی که دل‌بستگی نایمن دارند بیشتر افراد را غیرقابل اعتماد یا غیرقابل دسترس می‌دانند و این باعث حرمت خود پایین در آن‌ها می‌شود (گومز و مک‌لارن^۱، ۲۰۰۷؛ مک کورمیک و کندی^۲، ۱۹۹۴). پس تحول حرمت خود دارای نقش دوگانه است هم به‌عنوان محصول و هم به‌عنوان عامل مهم در رشد سلامتی عمل می‌نماید و انسان را در حل مشکلات اجتناب‌ناپذیر توانمند می‌سازد (اسداللهی و موسوی، ۱۳۷۶). سبک‌های دل‌بستگی و همچنین صفات شخصیتی در بزرگسالان و نوجوانان با پیامدهای سلامت و آسیب‌شناسی شخصیت همراه است (چوتایی، جوناسون، هگلوف و آدولفسن^۳، ۲۰۰۵). همچنین برای مدت طولانی فرض می‌شد که صفات شخصیتی بر روی سلامتی و رفتار اثر منفی دارند (بورکولز، پولمن و لوی^۴، ۲۰۱۰). با توجه به این که بیماری قلبی به‌سرعت در حال رشد است و بروز آن با افزایش سن بیشتر می‌شود (موسترد و هوز^۵، ۲۰۰۷؛ به نقل از دنولت، ورینتس و کونرادز^۶، ۲۰۰۸). با این حال نقش عوامل روانی مزمن مانند شخصیت در رابطه با مرگ و میر در بیماری قلبی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است (شیفر،

۱ - Gomez & McLaren
۲ - McCormick & Kennedy
۳ - Chotai Jonasson, Hagglof & Adolffson
۴ - Borkoles, Polman, & Levy
۵ - Mosterd & Hoes
۶ - Vrints & conraads

اسمیت، پدرس، ویدرشوون^۱ و دنولت، (۲۰۱۰). چراکه عوامل روانی به‌منظور بهبود در پیش‌آگهی و کیفیت زندگی مهم است (ایمونز، میجر^۲ و دنولت، ۲۰۰۷). ازاین‌رو یکی از موضوعاتی که امروزه ذهن محققان را درزمینه روانشناسی سلامت به خود مشغول کرده است رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و ابتلا به بیماری کرونر قلبی است (ذوالجناحی و وفایی، ۱۳۸۵). به همین دلیل در بیماری قلبی- عروقی، ریخت شخصیتی D به‌عنوان یکی از عوامل روانی به موضوع مهم پژوهش در سال‌های اخیر تبدیل شده است (مولس، تانگ، ون دپول فرنس، روکما^۳ و دنولت، ۲۰۱۲؛ ون دنبروک، اسمولدرن^۴، پدرس، دنولت، ۲۰۱۰). ریخت شخصیتی D بر روی سلامت جسمانی و روانی در افراد به‌ظاهر سالم تأثیر می‌گذارد (مولس و دنولت، ۲۰۱۰). شواهد نشان می‌دهد که ریخت شخصیتی D بارها به‌عنوان پیش‌بینی مستقل از نتایج پزشکی (به‌عنوان مثال: مرگ‌ومیر) در بیماران قلبی- عروقی نشان داده شده است و به‌عنوان یک روش ممکن است خطر بیماری قلبی- عروقی را در نمونه غیرپزشکی ارزیابی کند (شیفر و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از مارتین^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). ریخت شخصیتی D با افزایش سبک زندگی ناسالم مانند سیگار کشیدن، مصرف رژیم غذایی ناسالم و عدم ورزش رابطه دارد که به‌نوبه خود باعث آسیب‌پذیری زیستی برای توسعه بیماری عروق کرونری و دیابت می‌شود (ممراستیگ، کوپر^۶ و دنولت، ۲۰۱۰). این ریخت توصیف‌کننده افرادی است که تمایل به عاطفه منفی و بازداری اجتماعی دارند، افرادی که عاطفه منفی دارند بیشتر اضطراب، تحریک‌پذیری، بدبینی، نگرانی و دیدگاه منفی نسبت به خودشان، دنیا و آینده را تجربه می‌کنند درحالی‌که افراد با بازداری اجتماعی از بیان هیجان، افکار و رفتار در تعاملات اجتماعی جلوگیری می‌کنند (دنولت و کوپر، ۲۰۰۷؛ به نقل از بورکولز و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجایی که این ریخت شخصیتی با افزایش خطر سلامتی همراه است شناسایی مکانیسم‌های درگیر در ایجاد آن مهم است. در

۱- Schiffer, Smith, Pedersen & Widdershoven

۲- Emons & Meijer

۳- Mols, Thong, Vandepoll- franse, Roukema

۴- Van denbroek & Smolderen

۵- Martin

۶- Memmersteeg, Kupper & Denollet

این زمینه یک عاملی که ممکن است سبب افزایش خطر پیشرفت ریخت شخصیتی D شود؛ سبک دل‌بستگی است (هیوس‌ایتولد و همکاران، ۲۰۱۱). به‌طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که سبک‌های دل‌بستگی با صفات شخصیتی رابطه دارند بدین‌صورت که دل‌بستگی ایمن رابطه منفی با روان رنجوری و رابطه مثبتی با برون‌گردی، خوشایندی و مسئولیت‌پذیری دارد (نوفتل^۱ و شاور، ۲۰۰۶).^۲ و^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی اثر میانجی حرمت خود بر روی سبک‌های دل‌بستگی و خود پنداشت پرداخت و نشان داد که افراد با دل‌بستگی ایمن حرمت خود بالاتری دارند. موریس، میسترز، ملیک و زیوامبگ^۴ (۲۰۰۱) نشان دادند که افراد با دل‌بستگی ایمن نسبت به افراد دل‌بسته نایمن کمتر در معرض مشکلات روان‌شناختی مانند (اضطراب و افسردگی) قرار می‌گیرند. دهال، بهاتیا، شارما و گوپتا^۵ (۲۰۰۷) در مطالعه‌های بین به این نتیجه رسیدند که نوجوانان با حرمت خود بالا دارای سبک دل‌بستگی ایمن بودند درحالی‌که افراد با حرمت خود پایین بیشتر دارای دل‌بستگی هراسان و پرمشغله بودند. همچنین گوسنز، برت، بوسمانز، دکالو^۵ (۲۰۱۱) نشان دادند که حرمت خود با سبک دل‌بستگی مرتبط است. صیادپور (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود پرداخت، نتایج نشان داد که حرمت خود به‌طور مثبت با سبک دل‌بستگی ایمن و به‌طور منفی با سبک دل‌بستگی اجتنابی ارتباط دارد و یک ضریب همبستگی غیر معنادار منفی بین دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا و حرمت خودیافت شد. بیرامی، حشمتی، محمدپور، غلامزاده، حسنلو، مسلمی‌فر (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند که دانشجویان با سبک دل‌بستگی ایمن نسبت به دانشجویان با سبک دل‌بستگی نایمن تمایل بالاتری به برقراری ارتباط و شاد بودن دارند. نتایج هیوس‌ایتولد و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که سبک‌های دل‌بستگی ایمن و بی‌اعتنا با حرمت خود بالا رابطه دارد، درحالی‌که سبک‌های دل‌بستگی هراسان و پرمشغله با حرمت

۱- Nofhle

۲- Wu

۳ - Muris, Meesters, Melick, & Zwambag

۴ -Dhal, Bhatia, Sharma & Gupta

۵- Goossens, Braet, Bosmans & Decaluwe

خود پایین رابطه دارد و افراد دل‌بسته نایمن بیشتر از افراد دل‌بسته ایمن در معرض ریخت شخصیتی D قرار می‌گیرند. تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که بین سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود رابطه وجود دارد، به عبارت‌دیگر سبک دل‌بستگی ایمن باعث افزایش حرمت خود و سبک‌های دل‌بستگی نایمن باعث کاهش حرمت خود می‌شود (مک کارتی^۱، ۱۹۹۹؛ هاستینگر و لوکن^۲، ۲۰۰۴؛ به نقل از مویدفر، آقا محمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه گفته شد ریخت شخصیتی D و شناسایی عوامل مرتبط با آن امروزه مورد توجه خاص پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از: بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و حرمت خود رابطه وجود دارد. بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و ریخت شخصیتی D رابطه وجود دارد. بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) در دختران و پسران تفاوت وجود دارد. با توجه به ماهیت پژوهش سؤال‌های زیر نیز مطرح می‌شود:

- ۱- کدام یک از سبک‌های دل‌بستگی سهم بیشتری در پیش‌بینی حرمت خود دارد؟
- ۲- کدام یک از سبک‌های دل‌بستگی سهم بیشتری در پیش‌بینی ریخت شخصیتی D دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه سمنان بود که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل بودند. از جامعه فوق نمونه‌های به حجم ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوش‌های انتخاب شد و در نهایت پرسش‌نامه‌های ناقص کنار گذاشته شد و تعداد ۲۴۵ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از بین گروه نمونه تعداد ۶۶ نفر پسر و ۱۷۹ نفر دختر بودند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی بزرگ‌سالان، پرسش‌نامه حرمت خود و پرسش‌نامه ریخت شخصیتی D بود.

۱- McCarty

۲- Hustinger & Luechen

الف) پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی بزرگ‌سالان: این پرسش‌نامه دارای ۱۵ گونه است که توسط هازان و شاور در سال (۱۹۸۷) ساخته شده است که به هر یک از سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا پنج گونه تعلق می‌گیرد. پنج ماده مربوط به سبک دل‌بستگی ایمن (۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) است، پنج ماده مربوط به سبک دل‌بستگی اجتنابی (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) و پنج ماده مربوط به سبک دل‌بستگی دوسوگرا (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵) است. این پرسش‌نامه در یک طیف پنج‌گزینه‌ای هرگز (۰)، به‌طور اتفاقی (۱)، بعضی اوقات (۲)، اغلب اوقات (۳)، تقریباً همیشه (۴) نمره‌گذاری می‌شود و در نهایت جمع نمرات سبک دل‌بستگی فرد را نشان می‌دهد. قابلیت اعتماد باز آزمایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و قابلیت اعتماد با آلفای کرون باخ را ۰/۷۸ گزارش نموده‌اند، درستی محتوایی و صوری این پرسش‌نامه با سنجش ضریب همبستگی بین نمره‌های ۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی روایی همزمان این پرسش‌نامه از برنامه مصاحبه ساختارمند برای دل‌بستگی بزرگ‌سالی استفاده شده است. مصاحبه ساختارمند در بردارنده سؤال‌های از پیش تعیین شده یا است که سه سبک دل‌بستگی بزرگ‌سالی را می‌سنجد. این نوع روایی برای کل مقیاس و سه سبک دوسوگرا، اجتنابی و ایمن به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۷۹ گزارش شده است (به نقل از رحیمیان بوگر، اصغر نژاد فرید و رحیمی نژاد، ۱۳۸۷).

ب) پرسش‌نامه حرمت خود: این مقیاس به وسیله روزنبرگ^۱ در سال (۱۹۶۵) برای اندازه‌گیری حرمت خود کلی تهیه شده است که اندازه‌گیری کننده احساسات منفی و مثبت نسبت به خود است (هیوس ایتنولد و همکاران، ۲۰۱۱). این پرسش‌نامه شامل ۱۰ گونه است که گونه‌های ۱ تا ۵ این مقیاس به صورت کاملاً موافقم (۳)، موافقم (۲)، مخالفم (۱)، کاملاً مخالفم (۰) نمره‌گذاری می‌شود. همچنین گونه‌های ۶ تا ۱۰ این مقیاس به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. مطالعات متعددی به منظور بررسی

۱ -Rosenberg

قابلیت اعتماد و درستی مقیاس حرمت خود روزنبرگ انجام شده است، محمدی (۱۳۸۳؛ به نقل از محمدی و سجادی نژاد، ۱۳۸۶) شاخص‌های روان‌سنجی این مقیاس را در جامعه‌ی ایران بررسی کرد و قابلیت اعتماد این مقیاس را از طریق روش آلفای کرون باخ، باز آزمایی و دونیمه کردن به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ گزارش کرده است.

ج) پرسش‌نامه ریخت شخصیتی D: این پرسش‌نامه توسط دنولت در سال (۱۹۹۸) طراحی شده است که دو ویژگی کلی، عاطفه منفی و بازداری اجتماعی را ارزیابی می‌کند که شامل ۱۴ گونه است. ۷ گونه مربوط به عاطفه منفی و ۷ گونه مربوط به بازداری اجتماعی است. هرگونه این مقیاس بر اساس یک مقیاس پنج گزینه‌ای کاملاً غلط (۰)، نسبتاً غلط (۱)، خنثی (۲)، نسبتاً درست (۳)، کاملاً درست (۴) نمره‌گذاری می‌شود. به استثنای سوالات ۱ و ۳ که به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. همسانی درونی این مقیاس توسط دنولت ارائه شده است به طوری که همسانی درونی خرده مقیاس عاطفه منفی ۰/۸۸ و خرده مقیاس بازداری اجتماعی ۰/۸۶ گزارش شده است (به نقل از ذوالجناحی و وفایی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرون باخ این مقیاس ۰/۹۲ و ضریب آلفای کرون باخ مؤلفه‌ی عاطفه منفی ۰/۸۹ و بازداری اجتماعی ۰/۸۵ به دست آمد.

یافته‌ها

به منظور بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و حرمت خود با ریخت شخصیتی D از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد؛ که در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. حرمت خود	۱				
۲. ریخت شخصیتی D	-۰/۵۱۳*	۱			
۳. سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۳۲۶*	۰/۴۲۷*	۱		
۴. سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۳۶۳*	-۰/۳۷۵*	-۰/۲۸۷*	۱	
۵. سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۲۶۳*	۰/۲۴۵*	۰/۲۷۶*	-۰/۰۳۹	۱

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و حرمت خود رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $r = -0/513$). بین سبک دل‌بستگی ایمن و حرمت خود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. ($P < 0/05$, $r = 0/363$). بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و حرمت خود رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $r = -0/263$). بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و ریخت شخصیتی D رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $r = 0/427$). بین سبک دل‌بستگی ایمن و ریخت شخصیتی D رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $r = -0/375$). بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و ریخت شخصیتی D رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$, $r = 0/245$). به منظور تعیین نقش سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) در پیش‌بینی حرمت خود از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود در گام اول متغیر سبک دل‌بستگی ایمن وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی ۱۳ درصد از واریانس حرمت خود را تبیین می‌کند ($R^2 = 0/363$). در گام دوم متغیر سبک دل‌بستگی دوسوگرا نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین ۶ درصد افزایش یافته است و این دو متغیر در مجموع ۱۹ درصد واریانس حرمت خود را تبیین می‌کنند ($R^2 = 0/440$)؛ و در گام سوم

رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی:.....

متغیر سبک دل‌بستگی اجتنابی وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین ۳ در صد افزایش یافته است این سه متغیر در مجموع ۲۲ در صد از واریانس حرمت خود را تبیین می‌کنند ($R = 0.472$). در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی در پیش‌بینی ریخت شخصیتی D ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام حرمت خود از روی سبک‌های دل‌بستگی

گام	متغیرها	B	R	R ^۲	خطای استاندارد برآورد
اول	سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۵۳۶	۰/۳۶۳	۰/۱۳۲	۴/۷۵
دوم	سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۵۲۲	۰/۳۵۳	۰/۱۹۴	۴/۵۸
	سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۳۳۶	-۰/۲۴۹		
سوم	سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۴۴۷	۰/۳۰۳	۰/۲۲۲	۴/۵۱
	سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۲۷۱	-۰/۲۰۰		
	سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۲۶۳	-۰/۱۸۴		

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام شخصیتی D از روی سبک‌های دل‌بستگی

گام	متغیرها	B	R	R ^۲	خطای استاندارد برآورد
اول	سبک دل‌بستگی اجتنابی	۱/۰۵۲	۰/۴۲۷	۰/۱۸۲	۷/۹۳
دوم	سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۸۵۷	۰/۳۴۸	۰/۲۵۲	۷/۶۰
	سبک دل‌بستگی ایمن	-۰/۷۰۰	-۰/۲۷۵		
سوم	سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۷۵۱	۰/۳۰۵	۰/۲۷۳	۷/۵۱
	سبک دل‌بستگی ایمن	-۰/۷۱۶	-۰/۲۸۲		
	سبک دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۳۴۸	۰/۱۵۰		

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام شخصیتی D از روی سبک‌های دل‌بستگی

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود در گام اول متغیر سبک دل‌بستگی اجتنابی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی ۱۸ درصد از واریانس ریخت شخصیتی D را تبیین

می‌کند ($R = 0/427$). در گام دوم متغیر سبک دل‌بستگی ایمن نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین ۷ درصد افزایش یافته است و این دو متغیر در مجموع ۲۵ درصد واریانس ریخت شخصیتی D را تبیین می‌کنند ($R = 0/502$). در گام سوم متغیر سبک دل‌بستگی دوسوگرا وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین ۲ درصد افزایش یافته است و این سه متغیر در مجموع ۲۷ درصد از واریانس ریخت شخصیتی D را تبیین می‌کنند ($R = 0/522$).

به‌منظور مقایسه نمرات سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) در بین دختران و پسران از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون t برای مقایسه متغیر سبک‌های دل‌بستگی بین دو جنس

متغیرها	تفاوت میانگین	df	T	سطح معناداری
۱. سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۷	۲۴۳	-۱/۳۷	۰/۱۷۲
۲. سبک دل‌بستگی ایمن	-۰/۸۵	۲۴۳	-۱/۷۳	۰/۰۸۳
۳. سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۴۷	۲۴۳	-۰/۸۷	۰/۳۸۲

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود بین میانگین نمرات سبک‌های دل‌بستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) در دختران و پسران نمونه تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد ($P > 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود با ریخت شخصیتی D انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دل‌بستگی ایمن با حرمت خود رابطه مثبت و معنادار و بین سبک دل‌بستگی ناایمن با حرمت خود رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر با افزایش سبک دل‌بستگی ایمن، حرمت خود هم افزایش می‌یابد و با افزایش سبک دل‌بستگی ناایمن حرمت خود کاهش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز این یافته را تأیید کرد که سبک دل‌بستگی ایمن به‌طور مستقیم و سبک دل‌بستگی ناایمن به‌صورت معکوس حرمت خود را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های، صیادپور (۱۳۸۶)، مویدفر و همکاران (۱۳۸۶)، هیوس‌ایتتولد و همکاران (۲۰۱۱)، وُو (۲۰۰۹)، دهال و همکاران (۲۰۰۷)

همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌تواند گفت افراد با سبک دلبستگی ایمن بیشتر تمایل به برقراری ارتباط با افراد دیگر دارند و احساس ارزشمندی می‌کنند و در نتیجه حرمت خود بالاتری دارند (آربونا و پاور^۱، ۲۰۰۳؛ ایمانی ولی^۲، ۲۰۰۹). نتایج بیرامی و همکاران (۲۰۱۲) نیز این مسئله را مورد مایید قرار داده است. علاوه به این شواهد زیادی نشان می‌دهد که افراد دلبسته ایمن به احتمال بیشتر نسبت به افراد دلبسته نایمن دارای ویژگی‌های شخصیتی هستند که در روانشناسی مثبت مورد تأکید قرار گرفته‌اند از قبیل تاب‌آوری، خوش‌بینی، امید، عاطفه مثبت، حس کنجکاوی و اکتشاف، خودمختاری، ظرفیت عشق و گذشت، احساس ارتباط تنگاتنگ متقابل و تعلق داشتن، صبر و مهربانی (فیلیپ و گرالده، ۲۰۰۹). پژوهش‌ها همواره مایید کرده‌اند که احساس دلبستگی ایمن به بیان ذهنی مثبت از دیگران مربوط می‌شود که باعث احساس خود کارآمدی، حرمت خود پایدار و اتکا بر راه‌ها بسازند هم قابل‌های شده و در نهایت باعث بهبود عملکرد حتی در زمان تنیدگی می‌شود (فیلیپ و گرالده، ۲۰۰۹). در حالی که افراد با دلبستگی نایمن بیشتر در برقراری روابط اجتماعی دچار مشکل هستند و حرمت خود پایینی دارند (وئو، ۲۰۰۹). مطالعات متعددی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و تمایلات فردی را بررسی کردند و دریافتند که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی تن‌هایی را بر بودن در کنار دیگران ترجیح می‌دهند و این می‌تواند بیان‌کننده نوعی فقدان لذت در روابط باشد (ترویزی، آلسینی، کوویلو، نانی، سیراکوسانو^۳، ۲۰۱۰). مطالعات متعددی در مورد خلق و خو فردی در افراد با دلبستگی اجتنابی صورت گرفته است و آن‌ها را تا حدی درون‌گرا و از نظر عاطفی سرد و دارای نا گویی عاطفی توصیف کرده‌اند (کی‌رانوسکی^۴ و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از ترویزی و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین افراد دوسوگرا تصویر منفی از خود دارند و در نتیجه حرمت خود پایین آن‌ها باعث احساس تن‌هایی می‌شود. افراد با حرمت خود پایین به احتمال زیاد احساس مخالفت با دیگران دارند و علاوه بهای ن آن‌ها

۱ - Arbona, & Power

۲ - Emmanuelle

۳ - Troisi, Alcini, Coviello, Nanni & Siracusano

۴ - Cyranowski

فاقد توانایی‌های اجتماعی موردنیاز برای شروع و توسعه روابط هستند و این عوامل با تن‌هایی مرتبط است (دهال و همکاران، ۲۰۰۷). افراد دل‌بسته- مضطرب، نسبت به افراد دل‌بسته ایمن حساسیت بیشتری به طرد و همچنین تمایل بیشتری به پیش‌بینی طرد دارند و نسبت به آن واکنش زیادی نشان می‌دهند. درحالی‌که افراد اجتنابی از نیازمند و وابسته بودن به دیگران می‌ترسند و این عامل باعث مهار حالات عاطفی در آن‌ها می‌شود و این تلاش‌های مهاري به‌طور عمده به‌صورت ترس، اضطراب، خشم، غم، شرم، احساس گناه و درمانده بودن درمی‌آیند زیرا این هیجانات با تهدید و احساس آسیب‌پذیری همراه هستند (فیلیپ و گرالد، ۲۰۰۹).

همچنین در پژوهش حاضر نیز آشکار شد که بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و ریخت شخصیتی D رابطه معناداری وجود دارد، به‌عبارت‌دیگر بین سبک دل‌بستگی ایمن و ریخت شخصیتی D رابطه منفی و معنادار و بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و ریخت شخصیتی D رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز این یافته را مایید کرد که سبک‌های دل‌بستگی نایمن به‌طور مستقیم و سبک دل‌بستگی ایمن به‌صورت معکوس ریخت شخصیتی D را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش هیوس‌ایتولد و همکاران (۲۰۱۱) همخوان است. در تبیین این یافته می‌تواند گفت تجارب دل‌بستگی ممکن است یک عامل تأثیرگذار در پیشرفت ریخت شخصیتی D باشد چراکه بازداري اجتماعی و عاطفه منفی به‌نوعی بیان‌کننده تعاملات نایمن با دیگران است. ون دنبروک و همکاران (۲۰۱۰) گزارش کردند که افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا برای قرار گرفتن در ریخت شخصیتی D این احتمال را افزایش می‌دهند چراکه آن‌ها احساس ناراحتی در تعاملات اجتماعی می‌کنند و در تنظیم هیجان دچار مشکل می‌شوند و بیشتر احتمال دارد که عاطفه منفی را تجربه کنند درحالی‌که افراد دل‌بسته ایمن بیشتر تمایل به ارتباطات اجتماعی و روابط سالم با دیگران دارند و بیشتر عاطفه مثبت را در روابط اجتماعی تجربه می‌کنند. این موضوع می‌تواند بیان‌کننده صفت برون‌گردی در افراد دل‌بسته ایمن باشد. پژوهش نوفتل و شاور (۲۰۰۶) نیز این مسئله را مایید می‌کند. پژوهش‌ها در زمینه به دل‌بستگی بزرگ‌سالان این مسئله را تأیید کرد که ترس و

دفاع‌های افراد نایمن در روش‌های که آن‌ها بیان عاطفی خود را تنظیم می‌کنند آشکار می‌شود (فیلیپ و گرالد، ۲۰۰۹). همچنین افراد دل‌بسته ایمن کمتر در معرض مشکلات روان‌شناختی (اضطراب و افسردگی) قرار می‌گیرند که نتایج موریس و همکاران (۲۰۰۱) بیان‌کننده این موضوع است، اما افراد دل‌بسته نایمن به دلیل برقراری ارتباطات ناسالم بیشتر هیجانات منفی مثل خشم و اضطراب را تجربه می‌کنند و این یکی از عواملی است که آن‌ها را مستعد قرار گرفتن در ریخت شخصیتی D می‌کند. در پژوهش حاضر نیز آشکار شد که بین سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) در دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد؛ که با نتایج پژوهش ونگ پاکاران، ونگ پاکاران و دینگ^۱ (۲۰۱۲) ناهمخوان است. در تبیین این نتیجه می‌تواند به عوامل فرهنگی دخیل در این موضوع که باعث تفاوت در نتایج می‌شود اشاره کرد. نتایج این تحقیق و مروری بر تحقیقات گذشته در داخل و خارج از کشور که به تعدادی از آن‌ها اشاره شد نشان می‌دهد که بین سبک دل‌بستگی ایمن و حرمت خود رابطه مثبت و معناداری و بین سبک دل‌بستگی ایمن و ریخت شخصیتی D رابطه منفی و معناداری وجود دارد درحالی‌که این رابطه در سبک‌های دل‌بستگی نایمن معکوس است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اهمیت سبک‌های دل‌بستگی در عوامل روان‌شناختی چون حرمت خود و ریخت شخصیتی D است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر محدود بودن جامعه به دانشجویان بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود در گروه‌های دیگر نیز این موضوع بررسی شود.

منابع

- اسداللهی، قربانعلی و موسوی، غفور. (۱۳۷۶). حرمت خود و سلامت روان. اصفهان: نشر ارکان.
دادستان، پری‌رخ. (۱۳۷۶). روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی. جلد اول. تهران: نشر سمت.
دوکان‌های فرد، فریده. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی برافزایش عزت‌نفس و کاهش کم‌رویی دانشجویان. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۲(۳)، ۵۶-۴۳.

- ذوالجناحی، اهداء و وفایی، مریم. (۱۳۸۵). رابطه بین ریخت شخصیتی D با سیستم‌های بازداری رفتاری و فعال‌ساز رفتاری. *فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۱(۳) و ۲(۲)، ۱۱۳-۱۳۳.
- رحیمیان بوگر، اسحق؛ اصغرنژاد فرید، علی اصغر و رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۷). رابطه سبک دل‌بستگی با سلامت روان در بزرگسالان زلزله‌زده شهر بم. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۱(۱ و ۲)، ۲۷-۴۰.
- سپاه منصور، مژگان؛ شهابی‌زاده، فاطمه و خوش‌نویس، الهه. (۱۳۸۷). ادراک دل‌بستگی کودک، دل‌بستگی بزرگسال و دل‌بستگی به خدا. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۴(۱۵)، ۲۶۵-۲۵۳.
- صیادپور، زهره. (۱۳۸۶). ارتباط بین حرمت خود و سبک دل‌بستگی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۳(۱۲)، ۳۲۱-۳۱۱.
- محمدی، نورالله و سجادی نژاد، مرضیه. (۱۳۸۶). ارزیابی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه‌های نگرانی درباره‌ی تصویر بدنی و آزمون مدل ارتباطی شاخص توده‌ی بدنی، نارضایتی از تصویر بدنی و حرمت خود در دختران نوجوان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳(۱)، ۱۰۱-۸۵.
- مویدفر، همام؛ آقا محمدیان، حمیدرضا و طباطبایی، محمود. (۱۳۸۶). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود اجتماعی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۳(۲ و ۱)، ۷۲-۶۱.
- Arbona, C. & Power, T. G. (۲۰۰۳). Parental attachment, self-esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican American adolescents. *Journal of counseling psychology*, ۵۰(۱), ۴۰-۵۱.
- Arciszewski, T. Berjot, S. & Fines, L. (۲۰۱۲). Threat of the thin- ideal body image self-discrepancies and behavioral intention. *Body image*, ۵, ۳۳۴-۳۴۱.
- Bartholomew, k. & Horowitz, L. M. (۱۹۹۱). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of personality and social psychology*, ۶۱(۲), ۲۲۶-۲۴۴.
- Bayrami, M. Heshmati, R. Mohammadpour, V. Gholomzadeh, M. Hasanloo, H. & Moslemifar, M. (۲۰۱۲). Happiness and willingness to communicate in three attachment styles: A study on college students. *Procedia- Social and behavioral sciences*, ۴۶, ۲۹۴-۲۹۸.
- Borkoles, E. Polman, R. & Levy, A. (۲۰۱۰). Type D personality and body image in men: The role of exercise status. *Body image*, ۷, ۳۹-۴۵.
- Chotai, J. Jonasson, M. Hagglof, B. & Adolfsson, R. (۲۰۰۵). Adolescent attachment styles and their relation to the temperament and character traits of personality in a general population. *European psychiatry*, ۲۰, ۲۵۱-۲۵۹.
- Denollet, J. Vrints, C. J. & conraads, V. M. (۲۰۰۸). Comparing type D personality and older age as correlates of tumor necrosis factor- α dysregulation in chronic heart failure. *Brain, Behavior and Immunity*, ۲۲, ۷۳۶-۷۴۳.

- Dhal, A. Bhatia, S. Sharma, V. & Gupta, P. (۲۰۰۷). Adolescent self-esteem, attachment and loneliness. *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*, ۳(۳), pp. ۶۱-۶۳.
- Emmanuelle, V. (۲۰۰۹). Inter-relationships among attachment to mother and father, self-esteem and career indecision. *Journal of vocational behavior*, ۷۵, ۹۱-۹۹.
- Emons, H. M. W. Meijer, R. R. & Denollet, J. (۲۰۰۷). Negative affectivity and social inhibition in cardiovascular disease: Evaluating type D personality and its assessment using item response theory. *Journal of psychosomatic research*, ۶۳, ۲۷-۳۹.
- Gillath, O. Bunge, S. A. Shaver, P. R. Wendelken, C. & Mikulincer, M. (). Attachment- style differences in the ability to suppress negative thoughts: Exploring the neural correlates. *NeuroImage*, , - .
- Gomez, R. & McLaren, S. (۲۰۰۷). The inter- relations of mother and father attachment, self-esteem and aggression during late adolescence. *Aggressive Behavior*, ۳۳, ۱۶۰-۱۶۹.
- Goossens, L. Braet, C. Bosmans, G. & Decaluwe, R. (۲۰۱۱). Loss of control over eating in preadolescent youth: the role of attachment and self- esteem. *Eating behaviors*, ۱۲۲۸۹-۲۹۵.
- Huis in't veld, E.M.J. vingerhoets, AD.J.J.M. & Denollet, J. (۲۰۱۱). Attachment style and self- esteem: the mediating role of type D personality. *Personality and Individual Differences*, ۵۰, ۱۰۹۹-۱۱۰۳.
- Martin, L. A. Doster, J. A. Critelli, J. V. Lambert, P. L. Purdum, M. Powers, C. et al. (۲۰۱۰). Ethnicity and Type D personality as predictors of heart rate variability. *International Journal of psychophysiology*, ۷۶, ۱۱۸-۱۲۱.
- McCormick, C. B. & Kennedy, J. H. (۱۹۹۴). Parent- child attachment working models and self esteem in adolescence. *Journal of youth and adolescence*, ۲۳(۱), ۱-۱۸.
- Memmersteeg, P. M. Kupper, N. & Denollet, J. (۲۰۱۰). Type D personality is associated with increased metabolic syndrome prevalence and an unhealthy life style in a cross-sectional dutch community sample. *BMC Public Health*, ۱۰, ۲-۱۱.
- Mols, F. & Denollet, J. (۲۰۱۰). Type D personality in the general population: A systematic review of health status, mechanisms of disease, and work related problems. *Health and quality of life outcomes*, ۸(۹), ۲-۱۰.
- Mols, F. Thong, M. S. Y. Van de poll- franse, L. V. Roukema, J. A. & Denollet, J. (۲۰۱۲). Type D (distressed) personality is associated with poor quality of life and mental health among ۳۰۸۰ cancer survivors. *Journal of affective disorders*, ۱۳۶, ۲۶-۳۴.
- Muris, P. Meesters, C. Melick, V. M. & Zwambag, L. M. (۲۰۰۱). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personality and Individual differences*, ۳۰, ۸۰۹-۸۱۸.
- Noftle, E. E. & shaver, P. R. (۲۰۰۶). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of research in personality*, ۴۰, ۱۷۹-۲۰۸.
- Paterson, J. Pryor, J. & Field, J. (۱۹۹۵). Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspects of self-esteem. *Journal of youth and adolescence*, ۲۴(۳), ۳۶۵-۳۷۶.
- Philip, J. C. & Gerald, M. (۲۰۰۹). Personality psychology. In M. Mikulincer & P. R. Shaver (Eds), *Attachment theory: II. Developmental, psychodynamic and optimal-functioning aspects* (pp. ۲۴۷-۲۵۷). Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Pietromonaco, P.R. & Feldman Barrett, L. (۲۰۰۶). What can you do for me? Attachment style and motives underlying esteem for partners. ۴۰, ۳۱۳-۳۳۸.

- Schiffer, A. A. Smith, O. R. F. Pedersen, S. S. Widdershoven, J. W. & Denollet, J. (۲۰۱۰). Type D personality and cardiac mortality in patients with chronic heart failure. *International Journal of cardiology*, ۱۴۲, ۲۳۰-۲۳۵.
- Troisi, A. Alcini, S. Coviello, M. Nanni, R. C. & Siracusano, A. (۲۰۱۰). Adult attachment style and social anhedonia in healthy volunteers. *Personality and individual differences*, ۴۸, ۶۴۰-۶۴۳.
- Van denbroek, K. C. Smolderen, K. G. Pedersen, S. S. & Denollet, J. (۲۰۱۰). Type D personality mediates the relationship between remembered parenting and perceived health. *Psychosomatics*, ۵۱(۳), ۲۱۶-۲۲۴.
- Wilkinson, R. B. (۲۰۰۴). The role of parental and peer attachment in the psychological health and self-esteem of adolescents. *Journal of youth and adolescence*, ۳۳(۶), ۴۷۹-۴۹۳.
- Wongpakaran, T. Wongpakaran, N. & Wedding, D. (۲۰۱۲). Gender differences, attachment styles, self-esteem and romantic relationships in Thailand. *International Journal of Intercultural Relations*, ۳۶, ۴۰۹-۴۱۷.
- Wu, C. H. (۲۰۰۹). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Personality and individual differences*, ۴۷, ۴۲-۴۶.

